

مسئلاً معرفه اسمی است که نزد انسان، شناخته شده باشد و نکره آن است که ناشناخته باشد؛ اما برای شناخت آن ها چه باید کرد تا دچار اشتباه و شک و شبهه نشویم؟ مایه را براساس انواع معرفه می گذاریم . در صورتی که کلمه ی مورد نظر جزء هیچ یک از انواع معرفه نباشد ، در قسمت نکره قرار می گیرد .

معمولاً کلمه ای که نکره است، تنوین دارد ؛ اما تنوین مستقیماً علامت نکره نیست؛ زیرا بعضی از اسم ها اصلاً تنوین پذیر نیستند و از طرفی بعضی از انواع علم هستند که تنوین می گیرند (مانند "محمد").

*توجه: معرفه شش نوع است، اما ما در نظام جدید فقط دونوع از آن ها را یاد می گیریم: علم و معرفه به ال.

۱. علم (اسم خاص) : محمد ، فاطمة ، ایران ، زاینده رود و ..

۲. معرف بال (هر اسمی که ال بگیرد): کتاب (درالکتاب)، قلم (درالقلم)، مدرسه (درالمدرسه) و ..

*توجه:

۱. علم نسبت به انواع دیگر معرفه و نسبت به نکره، اولویت دارد. بنابراین در صورتی که یک اسم علم تنوین داشته باشد، "معرفه (از نوع علم)" محسوب می گردد و اگر یک اسم علم با ال بیاید، می گوئیم معرفه از نوع علم است، نه معرفه به ال. مانند: علم هایی مانند محمد، علی معرفه و علم هستند (نه نکره) و الحسن و الحسين هم معرفه و علم هستند (نه معرفه به ال). پس **علم بودن، مهم تر است.**

۲. سؤال مربوط به این درس: - انواع سؤال های ترجمه.

- عین المعرفة و النکرة فیما تحته خط.

- عین أنواع المعرفة فیما تحته خط.

**ترجمه ی اسم نکره:

علامت نکره در زبان فارسی:

- جاء معلّم
۱. "یک" در اول اسم نکره: یک معلّم آمد.
 ۲. "ی" در آخر اسم نکره: معلّی آمد.
 ۳. "یک" و "ی" (باهم): یک معلّی آمد.

**ترجمه ی اسم معرفه با ال:

- جاء المعلّم
۱. "آن" در اول اسم معرفه : آن معلّم آمد.
 ۲. بی علامت : معلّم آمد.

*****مهم:** در جمله ی اسمیه اگر یک اسم نکره، خبر واقع گردد ← به صورت نکره ترجمه نمی کنیم.

العلم کثر. دانش، گنج است. نمی گوئیم: دانش، گنجی است. (العلم: مبتداء، کثر: خبر)

اما اگر این خبر نکره، صفت داشته باشد (چه صفت اسمی و چه صفت فعلی) ← به صورت نکره ترجمه می کنیم.

العلم کثر مفید. دانش، گنج مفیدی است. (العلم: مبتداء، کثر: خبر، مفید: صفت کثر)